

بررسی عوامل مؤثر بر انگیزش فردی برای مشارکت مردم در جبهه‌های جنگ

علی صلاحی



خلاصه مقاله

وقتی یک جامعه با تحولات، رخدادها و ارزش‌های جدیدی روبرو می‌شود، افراد و گروه‌های اجتماعی برای پذیرش شاخص‌های فوق‌نیازمند یک سری عوامل و پارامترهای روان‌شناختی می‌باشند. زیرا بدون وجود چنین عواملی هیچ‌گونه انتخاب و یا رفتاری به انجام نمی‌رسد. از میان عناصر فردی، "انگیزش" تأثیر و کارایی گسترده‌تری را دارا می‌باشد.

در یک بررسی محیطی و رفتاری که در طول هشت سال دفاع مقدس به انجام رساندم و در این دوران با افراد مختلف (در گروه‌های سنی متفاوت و از شهرهای گوناگون میهن اسلامی) آشنایی پیدا کردم، همواره به این نکته فکر می‌کردم که با توجه به ویژگی‌های خاص جبهه و جنگ و مخاطراتی که برای انسانها به وجود می‌آورد، چرا چنین سطح گسترده‌ای از مردم آماده هرگونه جانفشانی بوده و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی در روند جنگ مشارکت فعالانه، گسترده و همه‌جانبه‌ای را دارا می‌باشند؟

وجود چنین شرایطی عموماً تحت تأثیر پارامترهای متفاوتی به انجام می‌رسد. مثلاً سربازان وظیفه با توجه به الزامات قانونی به جبهه‌ها اعزام می‌گردیدند، نیروهای کادر تابع وظائف سازمانی بوده و در نتیجه جهت انجام و اجرای رفتار سازمانی مطلوب به جبهه‌ها اعزام می‌شدند. اما بسیجیان فاقد الزامات قانونی، برای انجام نوع خاصی از وظایف و رفتار سازمانی بوده‌اند. آنان با توجه به انگیزش‌های فردی و تمایلات درونی خود به جبهه‌های جنگ اعزام می‌شدند.

بنابراین انگیزش فردی عامل مؤثری برای اعزام بسیجیان به جبهه محسوب گردیده، در حالیکه به دلیل سطح متفاوت فرهنگی و رفتاری افراد و همچنین تمایلات درونی مختلف و شخصیت متمایز بسیجیان (و یا هر گروه اجتماعی نسبت به افراد دیگر مجموعه)، نیروهای بسیجی از انگیزش‌های متفاوتی برخوردار بوده‌اند. در این مقاله، به بررسی انگیزش‌های متفاوت افرادی که به گونه‌ای داوطلبانه و در سازمان "بسیج" به جبهه‌های جنگ اعزام گردیده‌اند، پرداخته خواهد شد. این امر در طیف گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته و هدف کلی ما بررسی انواع تمایلات و انگیزش‌های فردی است که در روند جنگ تحمیلی "محرک"^(۱) بسیجیان محسوب گردیده و براساس آن "پاسخ"^(۲) لازم از طرف آنان (که همانا مشارکت در جنگ محسوب می‌گردید) ارائه گردید. به این ترتیب برای تبیین موضوع، فرضیه‌های روانی مورد توجه قرار گرفته‌اند، که در یک بررسی رفتاری، مقدم "برکنش افراد"^(۳) می‌باشد. در یک نگرش کلی می‌توان موارد ذیل را به عنوان عوامل مؤثر محیطی بر مشارکت بسیجیان در جبهه‌های جنگ براساس "مدل محرک - پاسخ" و "انگیزش درونی" افراد مورد مطالعه قرار داد.

1 - Stimulus

2 - response

3 - Personal action

- این عوامل عمدتاً محیطی است که بر انگیزش اثر می‌گذارد البته برخی از موارد جزو عوامل محسوب نمی‌گردد و یا حداقل می‌توان گفت مبنای علمی چندانی ندارد.
- ۱- یکپارچگی و یکرنگی اقشار مختلف مردم در قبول فرمان‌های رهبر و عمل به آن.
 - ۲- انعکاس صحیح اخبار به توده مردم.
 - ۳- تفهیم خطر ناشی از تهاجم به آحاد ملت.
 - ۴- تبلیغ و تحریک احساسات مردم.
 - ۵- حاکمیت ملی کشور و حقانیت جمهوری اسلامی ایران.
 - ۶- حفظ شعار نه شرقی و نه غربی به عنوان یکی از ارزش‌های انقلاب.
 - ۷- حمایت عملی از مستضعفین در مقابل مستکبرین در سراسر جهان.
 - ۸- احترامی که آحاد مردم به پرستیژ واقعی رزمندگان انقلابی قائل بودند.
 - ۹- پاداشی که از طرف خداوند در قرآن کریم به شهید بشارت داده شده است.
 - ۱۰- ظلمی که رژیم عراق بر مردم مظلوم خودش روا می‌داشت.
 - ۱۱- حملات هوایی و موشکی رژیم بعثی به مناطق مسکونی و غیر نظامی.
 - ۱۲- ترور مسئولین با ارزش جمهوری اسلامی ایران توسط ایادی استکبار جهانی.
 - ۱۳- فرمان به موقع رهبر مبنی بر تشکیل بسیج و سازماندهی ارتش بیست میلیونی.
 - ۱۴- حکم شرعی واجب کفائی بودن جهاد.
 - ۱۵- به تحقق رسیدن وعده‌هایی که رهبر انقلاب و مسئولین نظام در صورت پیروزی به مردم داده بودند.
 - ۱۶- تنفر بیش از حد مردم از نظام‌های دیکتاتوری گذشته و تشابه رژیم بعث عراق به آنها.
 - ۱۷- جانفشانی و از خودگذشتگی که عملاً سردارهای رشید انقلاب اسلامی و رزمندگان و بسیجیان به مردم نشان دادند.

- ۱۸ - حضور روحانیون و طلاب در جبهه.
- ۱۹ - بخشش و عفو که نظام جمهوری اسلامی برای مخالفین انقلاب اسلامی قائل شد.
- ۲۰ - تأثیر باشکوه برگزار کردن تشییع جنازه شهیدان انقلاب از طرف مردم و دولت.
- ۲۱ - پیام شهیدان عزیز در قالب وصیت نامه هایشان.
- ۲۲ - محبوبیت امام راحل‌مان برای اقشار مختلف مردم و حضور و وجود امام در رأس انقلاب و دفاع مقدس.
- ۲۳ - حضور فعال بانوان در همه صحنه‌های جبهه و پشت جبهه.
- ۲۴ - اثری که خون شهید بجای می‌گذاشت در بین آحاد ملت.
- در این مقاله صرفاً به عوامل ناشی از تأثیرگذاری رهبری حضرت امام خمینی «ره» عوامل ایدئولوژیک، عوامل فرهنگی و عرق ملی پرداخته خواهد شد.

مقدمه:

انگیزش‌های فردی مجموعه محرکه‌هایی هستند که شخص را به انجام فعالیت یا نشان دادن رفتاری وادار می‌سازند. وقتی می‌پرسیم چه چیز افراد را بر می‌انگیزد که زندگی خود را برای نجات فردی یا اجتماعی به خطر می‌اندازد یا برای دستیابی به هدف خاص ساعت‌های طولانی کار می‌کنند؟ معمولاً منظور این است که چرا مردم این چنین رفتاری دارند؟ اصطلاح "انگیزش" همانطور که از معنای رایج آن نیز بر می‌آید به علت یا چگونگی رفتار اشاره دارد. می‌توان انگیزش را به عواملی محدود سازیم که به رفتار، نیرو می‌بخشند و به آن جهت می‌دهند یک انسان (با انگیزه)، در مقایسه با یک انسان (بی انگیزه) با نیرو و کارایی بیشتری در یک فعالیت درگیر می‌شود. انگیزش علاوه بر نیرو بخشیدن به انسان معمولاً به رفتار جهت می‌دهد. انگیزش‌های فردی را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد.

۱- انگیزش‌های فردی در جهت وقوع فعالیتهای التذادی.

۲- انگیزش‌های فردی در جهت وقوع فعالیتهای تدبیری.

فعالیت‌های التذادی، فعالیت‌های ساده‌ای هستند که فرد تحت تأثیر مستقیم غریزه و طبیعت و یا عادت - که طبیعت ثانویه است - برای رسیدن به یک لذت و یا فرار از یک رنج انجام می‌دهد. مثلاً تشنه می‌شود و به سوی ظرف آب دست می‌برد و یا گزنده‌ای می‌بیند خود را پنهان می‌سازد. در این دو مثال تشنه شدن و دیدن گزنده، انگیزه‌ای فردی بوده که فرد به سوی ظرف آب دست دراز می‌کند یا به دنبال جان پناه می‌گردد و یا می‌گریزد.

و اما فعالیت‌های تدبیری کارهایی است که خود آن کارها جاذبه و یا دافعه‌ای ندارند و غریزه و طبیعت، انسان را به سوی آن کارها نمی‌کشاند و یا از آنها دور نمی‌سازد، انسان به حکم عقل و اراده به خاطر مصلحتی که در آنها نهفته است و یا به خاطر مصلحتی که در ترک آنها می‌بیند آن کارها را انجام می‌دهد و یا ترک می‌کند یعنی علت غائی و نیروی

محرک و برانگیزاننده انسان، مصلحت است نه لذت. چون لذت را طبیعت تشخیص می‌دهد و مصلحت را عقل، لذت، میل را بر می‌انگیزانند و مصلحت اراده را، فرق است بین کارهایی که لذت بخش و مسرت آفرین باشد با کارهایی که لذت می‌بخشد و احیاناً رنج آور است. ولی انسان با رضایت و خرسندی آن رنج را تحمل می‌کند. لذت و رنج از مشترکات حیوان و انسان است اما رضایت و خرسندی و یا کراهت و نارضایتی از مختصات انسان است و چون فعالیت‌های التذادی به حکم احساس و میل صورت می‌گیرد و کارهای تدبیری با نیروی عقل و اراده به تحقق می‌رسد، لذا انگیزه‌های فردی برای وقوع فعالیت‌های التذادی نیز از احساس و میل انسان نشأت می‌گیرند و منشأ انگیزش‌های فردی در جهت وقوع کارهای تدبیری عقل و اراده انسان است.

ولی هدف ما در این مقوله شق دوم می‌باشد و از آن جمله است شرکت در جنگ و جهاد از آنجائیکه جنگ لذت نمی‌بخشد و رنج آور است و تاریخ ما گواه می‌دهد که مردم ایران و رزمندگان انقلاب اسلامی، بسیجیان جان بر کف، با رضایت و خشنودی تمام آن رنج‌ها و نارضایتی‌ها را تحمل می‌کردند و دفاع از آب و خاک و ناموس خود را وظیفه شرعی و عرفی خود دانستند. این جا است که نتیجه می‌گیریم، انگیزش‌هایی که باعث مشارکت مردم در جبهه‌های حق علیه باطل می‌شد، طبعی از انگیزش‌های در جهت وقوع فعالیت‌های تدبیری می‌باشد که بر رفتار اجتماعی تأثیر مثبت می‌گذازند.

هنگامیکه یک جامعه با تحولات، رخدادها و ارزش‌های جدیدی روبرو می‌شود، افراد و گروه‌های اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده و در جهت همگونی خود با محیط رفتاری نیازمند یک سری عوامل و پارامترهای روانشناختی می‌باشند. زیرا بدون وجود چنین عواملی هیچ گونه انتخاب و یا رفتاری به انجام نمی‌رسد. از میان عناصر فردی همانا "انگیزش" تأثیر و کارایی گسترده‌ای را دارا می‌باشد.

لذا در یک بررسی محیطی و رفتاری که در طول هشت سال دفاع مقدس به انجام

رسانده‌ام و در این دوران با افراد مختلف (در گروه‌های سنی متفاوت و از شهرهای گوناگون میهن اسلامی) آشنایی پیدا کردم، همواره به این نکته فکر می‌کردم که با توجه به ویژگی‌های خاص جبهه و جنگ و مخاطراتی که برای انسان به وجود می‌آید، چرا چنین سطح گسترده و همه‌جانبه‌ای را داشتند؟ ایجاد همچنین موقعیتی عموماً تحت تأثیر پارامترهای متفاوتی به انجام می‌رسد. به طور مثال، سربازان وظیفه با توجه به «الزامات قانونی» به جبهه‌ها اعزام می‌گردیدند، نیروهای کادر مسلح تابع «وظایف سازمانی» بوده و در نتیجه جهت انجام و اجرای رفتاری سازمانی مطلوب به جبهه‌ها اعزام می‌شدند. اما بسیجیان فاقد همچنین «الزامات قانونی» و «وظایف سازمانی» بوده و برای انجام نوع خاصی از وظایف و رفتار سازمانی و اجتماعی عمل می‌کردند. آنان با توجه به «انگیزش‌های فردی» و «تمایلات درونی» خود به جبهه‌های جنگ اعزام می‌شدند. بنابراین «انگیزش فردی» عامل مؤثری برای اعزام بسیجیان به جبهه محسوب گردیده، در حالی که به دلیل سطح متفاوت فرهنگی و رفتاری افراد و همچنین تمایلات درونی مختلف و شخصیت متمایز بسیجیان (و یا هر گروه اجتماعی نسبت به افراد دیگر مجموعه) نیروهای بسیجی از انگیزش‌های متفاوتی برخوردار بودند. در این مقاله، به بررسی انگیزش‌های متفاوت افرادی که به گونه‌ای داوطلبانه و در سازمان «بسیج» به جبهه‌های جنگ اعزام گردیده‌اند، پرداخته خواهد شد این موضوع در طیف گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته و هدف کلی ما بررسی انواع تمایلات و انگیزش‌های فردی است که در روند جنگ تحمیلی، محرک^(۱)، بسیجیان محسوب گردیده و براساس آن «پاسخ»^(۲) لازم از طرف آنان (که همانا مشارکت در جبهه محسوب می‌شد) ارائه گردیده و به این ترتیب برای تبیین موضوع، «فرضیه‌های روانی» مورد توجه قرار گرفته‌اند، که در یک بررسی

رفتاری، مقدم بر "کنش افراد"^(۱) می‌باشد. در یک نگرش کلی می‌توان سه فاکتور ذیل را به عنوان عناصر مؤثر بر مشارکت بسیجیان در جبهه‌های جنگ بر اساس «مدل محرک - پاسخ» و «انگیزش درونی» افراد بر شمرد.

۱- تأثیر گذاری رهبری حضرت امام خمینی (ره).

۲- عوامل ایدئولوژی اسلامی.

۳- عوامل فرهنگی و عرق ملی.

۱- تأثیر گذاری رهبری حضرت امام خمینی (ره).

در مکتب اسلام به خصوص تشیع دیدگاه و تفکر خاصی نسبت به رهبری وجود دارد که حق رهبری و حکومت را شایسته‌ترین کس می‌دانند که یا معصوم باشد و یا فقیه جامع الشرایط که معمولاً به چنین رهبرانی با دیده "نماینده و خلیفه خدا" و "نایب امام زمان" و اطاعت از امر ایشان اطاعت از خدا و امر آنها را بر خود واجب می‌دانند.

«جایگاه زمامدار (نسبت به ملت) همچون رشته‌ای است که مهره‌ها را کنار هم گردآورده و به یکدیگر ببندد داده است، اگر رشته بگسلد و مهره‌ها از هم جدا شود و پراکنده گردد، دیگر هرگز جمع نشود، پس تو قطب و محور آسیا باش و بی‌آنکه خود در میدان کارزار حاضر شوی آسیای جنگ را به وسیله عرب بگردان و نبرد را با آنان روشن نگه‌دار. اگر تو از مرکز پای بیرون گذاری، عرب در اطراف و اقطار پیمان تو را شکسته، مشکلات داخلی رخ می‌نماید به طوریکه (شورش داخلی) در غیاب تو از آنچه که در پیش روی داری (جنگ) مهمتر می‌گردد. فردا دشمنان وقتی تو را (در میدان جنگ) ببینند گویند: این اصل و پیشوای عرب است که اگر او را پاره پاره کنی آسوده

گردید آنگه جرأت و طمع ایشان در کشتن تو فزونی یابد»^(۱)

رهبر، پیامبر گونه در مقابل هر چیز احساس مسؤلیت می‌کند مثلاً در ارائه بصیرت و بینش به رزمندگان تغذیه روحی و فکری آنان از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند خداوند متعال در آیات متعددی اهمیت احساس مسؤلیت را یادآور شده و تأکید نموده که انسان در این جهان با عظمت، بیهوده آفریده نشده است چنانچه در قرآن کریم آمده است: آیا گمان می‌کنید ما شمارا بیهوده آفریده‌ایم و شباهه ما باز نمی‌گردید؟ (سوره مؤمنون آیه ۱۱۵) پروردگار آسمان و زمین و این دستگاه عظیم را بیهوده و باطل نیافریده است. (سوره آل عمران آیه ۱۹۱)

حضور رهبر در صحنه‌های مختلف جنگ انگیزه فراوانی در مردم ایجاد می‌کند و پیوندی محکم و ناگسستنی بین او و مردم به وجود می‌آید و هر کدام؛ اتکا بر دیگری در نتیجه با روحیه‌ای قویتر اهداف عالی خویش را دنبال می‌کنند.

امام خمینی (ره) با اعلام این نکته که جنگ ایران و عراق «جنگ بین اسلام و کفر و قرآن کریم و الحاد است»^(۲) راه هر گونه اقدام سازشکارانه را مسدود کردند و با ترسیم استراتژی ایران در جنگ و تبیین خطوط فکری جنگ توانستند با فرمان به موقعشان مبنی بر تشکیل بسیج و سازماندهی ارتش بیست میلیونی، مردم را به جنگ و جهاد بخوانند. امام خمینی (ره) برای تقویت روحیه ملت شهید پرور عاملی مؤثر در مقاومت مردمی داشتند. بطوریکه در اوایل جنگ می‌فرمودند: ... ما از آن قدرتهای بزرگ نترسیدیم، اینکه قدرتی ندارد، عراق که چیزی نیست ... با دست قوی ملت، با تأیید خدای تبارک و تعالی این ریشه‌های فساد قطع خواهد شد و اسلام گسترش پیدا خواهد کرد.^(۳)

۱- نهج البلاغه، فیض، خطبه ۱۴۶.

۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صحیفه نور جلد ۱۳ ص ۹۵.

۳- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - صحیفه نور جلد ۱۳ ص ۹۶.

اهداف و آرمانهای امام عوامل مؤثری بر مشارکت مردم در جبهه‌ها است که هر انسانی با تمام قوا و توان در جهت شکل گرفتن اهداف و آرمانهای مورد نظر خویش قدم بر می‌دارند چنانچه می‌دانیم در طول هشت سال دفاع مقدس، امام راحل‌مان توانست آرمانهای والای «جهاد فی سبیل...» را در شرایط حاضر برای امت ایران تبیین کند تا اینکه مردم با عزمی راسخ و درایت و بصیرتی جدی همت خویش را به آن اهداف مهم معطوف کرده و ارزشهای اسلام و انقلاب اسلامی را در مقابل جبهه و نیرنگ ایادی استکبار جهانی محفوظ و مصون دارند.

خود امت به این باور مهم یقین پیدا کردند که ضامن نجات کشتی اسلام و انقلاب و به تحقق رسیدن آرمانهای امام و نظام جمهوری اسلامی همانا مشارکت در جبهه‌های حق علیه باطل و دفاع همه جانبه آنها از این مرز و بوم مقدس اسلام است. اینجاست که مردم در جریان جنگ و جبهه قرار می‌گیرند و بدون هیچ ترس و واژه‌ای از آینده و هیچ اندوهی در دل، سیل آسا به جبهه‌ها هجوم می‌آورند. چون خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«الایِنَّ اولیاء... لاخوف علیهم و لا هم یحزنون»

«آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترس (از حوادث آینده عالم) و هیچ اندوهی (از وقایع گذشته جهان) در دل آنها نیست»

آرمانهای امام و نظام آتقدر برای مردم حائز اهمیت بودند، به طوری که حاضر بودند برای رسیدن به آنها در مصاف با دشمنان جان خود را نثار کنند و حیات این دنیای فانی را با آخرت باقی سودا نمایند. چون در قرآن کریم آمده است:

«آنها که زندگی دنیا را به آخرت فروختند باید در راه خدا پیکار کنند و آن کسی که

در راه خدا نبرد می‌کند اگر کشته شود یا پیروز گردد پاداش بزرگی به او خواهیم داد»^(۱) گونه‌های عینی تأثیرگذاری عامل "رهبری" در بسیج و مشارکت رزمندگان اسلام را می‌توان در مثالهای متفاوتی بیان داشت. اما نکته قابل توجه این بود که تمامی رزمندگان عامل اصلی حضور خود را در جبهه‌های جنگ "دستور" حضرت امام (ره) می‌دانستند. به دلیل همین امر بود که سخنان ایشان تأثیر بسیار زیادی بر روحیه رزمندگان به جای گذاشت. وجود چنین شاخص‌هایی سبب گردیده بود که در زمان عملیات و یا در مقاطعی که شرایط ترخیصی رزمندگان فراهم می‌آمد و ما نیاز بیشتری به حضور و تداوم حضور رزمندگان داشتیم برای توجیه آنان به سخنان و توصیه‌های حضرت امام خمینی استناد می‌کردیم. اگر رزمندگان احساس می‌کردند که مقام رهبری در روند فعالیت‌های آنان قرار گرفته است و یا اینکه از عملیات و گروه‌های عمل‌کننده آگاهی دارد، در آن شرایط نتایج و بازتاب عملیات گسترده و مطلوب‌تر بود.

وجود شرایط روحی، روانی و انگیزشی فوق در رزمندگان اسلام سبب گردید تا نه تنها مشارکت گسترده‌تر افراد بسیجی و آحاد مختلف ملت ایران حضور فعال، مداوم و پایدارتری را در جبهه‌های جنگ داشته باشند، بلکه برخی از اهداف نظام سیاسی که مورد نظر و مطلوبیت حضرت امام بود به گونه شایسته‌تری تأمین گردد. برخی از این موارد عبارتند از:

- ۱- نبرد تا رفع و دفع فتنه و فساد از عالم.
- ۲- بکار بردن شیوه پیامبران و امامان معصوم در مقابل ظلم و ستم.
- ۳- ایجاد یکپارچگی و وحدت بین مسلمانان جهان.
- ۴- حفظ ارزشهای اسلامی و انقلاب اسلامی.

- ۵- عمل کردن به فرمان‌های قرآن و اسلام بنا بر مقتضیات زمان.
- ۶- تفهیم در خطر بودن اسلام ناشی از تهاجم مستقیم و غیر مستقیم به آحاد ملت.
- ۷- حمایت از مستضعفین در مقابل مستکبرین در سراسر جهان.
- ۸- به تحقق رساندن وعده‌هایی که مسؤولین جمهوری اسلامی در صورت هر نوع مشارکت داده بود.

۹- آزمایش افراد و انتخاب آنها به عنوان مسؤولین مخلص و خدمتگزار اسلام و ملت در آینده.

- ۱۰- جلوگیری از تجاوز بیگانه به آب و خاک و ناموس میهن اسلامی (ایران).
- ۱۱- حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران.
- ۱۲- جلوگیری از متلاشی و قطعه قطعه شدن ایران اسلامی.
- ۱۳- نقش برآب کردن حیل‌ها و نیرنگ‌های ایادی استکبار در هر زمان و مکان.
- ۱۴- جلوگیری از پایمال شدن خون شهیدان.
- ۱۵- حفظ و تداوم امامت و رهبری.
- ۱۶- پیروی از ولایت فقیه و استمرار حرکت انبیاء.

توضیح و تفسیر همه این موارد در حیطه این مقوله نمی‌گنجد لذا ما به توضیح و بررسی سه مورد از اهداف امام راحل (ره) بسنده می‌کنیم.

الف- رفع و دفع فتنه و فساد از عالم

دشمنان به سبب درک ناقص و تحلیل نادرست و اطلاعات غلطی که از وضعیت ایران اسلامی داشتند کوشیدند تا به واسطه فتنه سازی، چهره اسلام و ایران اسلامی را در دنیا به شکل دیگری نمایان سازند تا خود را بر حق و نظام جمهوری اسلامی را باطل تلقی کنند. اینجاست که یکی از اهداف و آرزوی رهبر بر چیده شدن فتنه و فساد در سراسر جهان است. چنانچه در قرآن کریم آمده است:

«با کافران نبرد کنید تا فتنه و فسادى نماند و آيين همه دين خدا گردد»^(۱)

به اين صورت رسالت بسيج مردمى در جهت رفع و دفع فتنه و فساد از عالم و به جاي آن قرار دادن ثبات و دين خدا که جاويدان است، تکميل مى شود. از اين رو با ليک به فرمانهاي سرنوشت ساز امام، رزمندگان ما توانستند در جهت از بين بردن هرگونه فساد و فتنه مانند سدى پولادين در مقابل دشمنان بايستند.

ب- بکار بردن شيوه پيامبران و امام معصوم در مقابل ظلم و ستم

گواه تاريخ بر اين است که پيامبران و امامان معصوم همانند جد بزرگوارشان حضرت محمد (ص) در جهت حفظ منافع اسلام و تأمين سعادت واقعى مردم هرگز کوتاهى نکرده اند. هميشه الگوهاي واقعى براى جنگ و جهاد با نفس خويش و جنگ و جهاد با دشمنان خدا و ... بوده و هستند. اولين مجاهد که پرچم جهاد را برافراشت و به ميدان جنگ و جهاد با دشمن شتافت حضرت ابراهيم (ع) بود که از اميرالمؤمنين على (ع) نقل مى شود. «اولين مجاهد راه خدا حضرت ابراهيم بود به طورى که روميان به ناحيه اى که حضرت لوط (ع) آنجا بود حمله کردند و او را اسير نمودند وقتى اين خبر به حضرت ابراهيم رسيد به نبرد آنان رفت و لوط را از دستشان رها ساخت و نيز آن حضرت اولين کسى بود که پرچم جهاد در راه خدا را برافراشت»^(۲)

و همچنين پيامبران ديگر و رسول گرامى (ص) بيش از ۲۰ سال از نبوتش مشغول فعل مقدس جهاد در راه خدا بودند و همانطور امامان معصوم که به حق، تاريخ گواهي مى دهد که در جهت به تحقق رسيدن «لاتظلمون و لاتظلمون» هرگز از مبارزه و جهاد با ظالمان دست نکشيدند. مثلاً امام حسين (ع) براى مبارزه ظالمان تا آخرين قطره خون ايستادگى مى کند و درس آزاد مردى و مردانگى را در کتاب حجيم تاريخ ضبط مى کند.

و امام راحل (ره) نیز با اینچنین بینش که:

«آن کسی که قدم در میدان جهاد می‌نهد پیرو راستین پیامبر اسلام (و امامان معصوم و بنده مخلص خداست) و در مقابل مردم نیز بانندای امام می‌فهمند که بنیانگزار انقلاب آنها جهادگر در راه اسلام و پیامبران خداست و مردم نیز به همین خاطر مشارکت در جهاد علیه دشمن متجاوز را بر خود امری واجب می‌دانند.»

ج- ایجاد یکپارچگی و وحدت بین مسلمانان جهان

می‌دانیم که اتحاد و هماهنگی بزرگترین عامل تکامل، موفقیت، پیروزی و بهره‌مندی در امور مادی و معنوی است چنانکه اختلاف و پراکندگی مهمترین سبب ناکامی، شکست، انحطاط و ضعف می‌باشد و بر همین اساس که در قرآن مجید و روایات اسلامی درباره وحدت زیاد سفارش شده و از تفرقه و اختلاف منع و مذمت گشته است.

«و اعتصموا به حبل... جمعاً و لا تفرقوا»

«همگی به رشته الهی (قرآن کریم) چنگ زنید و متفرق نگردید»^(۱)

«از خدا و رسول اطاعت کنید و نزاع نکنید که سست شده قدرت و عظمت شما تباه

می‌شود.»^(۲)

پیامبر اکرم فرمودند: هر کس خود را از جمعیت مسلمانان جدا کند بدون شک تعهد اسلامی را از گردن خود برداشته است.^(۳)

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: خداوند سبحان به هیچ کس از گذشتگان و آیندگان با

تفرقه خیر نداده و نمی‌دهد.^(۴)

بنابراین امت مسلمان ایران با توجه به توصیه پیامبر گرامی و راهنمایی امام راحل

۲- سوره انفاق آیه ۴۶.

۱- سوره آل عمران آیه ۱۰۳.

۴- نهج البلاغه عبده، ص ۵۷۵.

۳- امالی صدوق، ص ۲۹۷.

ره) نمی‌خواهند خود را از جمعیت مسلمانان آماده به جبهه و جهاد جدا سازند و در صدد برداشتن تعهد اسلامی از گردن خود برآیند لذا سیل آسا به جبهه و جهاد روی می‌آورند و با مشارکت همه جانبه در جنگ پیروزی و سربلندی را برای ایران و اسلام به ارمغان می‌آورند شکست و ناکامی را برای دشمن موجب می‌شوند که هنوز هم ایادی استکبار تلخی آنرا حس می‌کنند.

۲- عوامل ایدئولوژیک

ایدئولوژی عنصر تأثیرگذار در رفتار و کارکرد عمومی کشورها و نظامهای سیاسی می‌باشد. نظریه پردازان براین اعتقادند که ایدئولوژی عامل تهییج کننده جامعه در چهارچوب اهداف و رویه خاصی می‌باشد که نظام سیاسی در صدد نیل به آن می‌باشد. بر این اساس به هر اندازه که گرایش ایدئولوژیک یک جامعه بیشتر و گسترده تر باشد، انگیزشهای رفتاری هدفمند آن جامعه نیز بیشتر و مؤثرتر است. لازم به توضیح است از آنجائیکه بین ایدئولوژی و مذهب پیوستگی بسیار نزدیکی وجود دارد، برخی این دو عامل را، به اشتباه به جای یکدیگر به کار می‌برند.

روزنامه نگاران به مذهب «پایه حقیقی اخلاق عمومی» عنوان می‌دهند و روانشناسان درباره آن می‌گویند: «یک نفس و یا روان عالی است که دور آنرا ترکیبی از افسانه‌ها و اساطیر فرا گرفته باشد.» کمونیستها آنرا «افیون جامعه» می‌شمارند و گاهی فلاسفه آنرا «بنایی ساخته شده از خرافات حاصله از جهل به مفاهیم و مطالب ماوراء الطبیعه می‌شناسند» واعظان و خطیبان مذهبی آنرا «جستجوی بشر در راه عالیترین زندگیها» نام گزارده‌اند و بالاخره علمای جامعه شناسی آنرا «بیان کلی و یکجائی ارزشهای انسانی» می‌خوانند. همین‌طور که پیش می‌رویم این تعریفها ادامه دارد ولی هر قدر هم که این تعریفها گوناگون و زیاد باشند حداقل یک چیز را روشن می‌کنند و آن این است که این تعریفهای مختلف نشانه آن است که مذهب فراتر از یک پدیده اجتماعی

است و دارای عوامل مختلف بوده و از سادگی بدور است.

به طور کلی می‌توان نظرات و یا فرضیه‌های عمده‌ای که درباره انگیزه و علل پیدایش مذهب گفته شده است و پاره‌ای از آنان که جنبه «روانی» و بعضی «اخلاقی و اجتماعی» و بعضی «اقتصادی» و بعضی «فکری» و «عقلی» دارند را در ۱۰ مورد خلاصه کرد:

۱- مطالعه اسرار هستی و نظام آفرینش (عامل اصلی)..... اقتصادی، سیاسی

۲- فطرت انسانی و کشش درونی و ذاتی او اقتصادی، سیاسی

۳- نیازهای اخلاقی و اجتماعی اجتماعی

۴- ترس از عوامل وحشتناک طبیعی روانی

۵- عوامل جنسی روانی

۶- جهل و بی اطلاعی از اسرار طبیعت فکری

۷- عقیده به وجود روح فلسفی

۸- اعتقاد به بخت و شانس خرافاتی

۹- عوامل اقتصادی استعمار علمی و فلسفی

۱۰- عوامل اقتصادی ضد استعمار روانی

مذهب و جهاد با دشمنان اسلام:

اثر مذهب در جنبش و جهش اجتماعات یک ادعا نیست. مذهب عامل ثبات در برابر شدائد و نابسامانیها است و اصولاً زندگی کردن جزء درگیری با مسائل گوناگون نیست و بدون شک در این مبارزات علاوه بر نیروهای محرکه جسمی نیاز به پشتوانه روانی و روحی نیز می‌باشد که با تکیه بر آن انسان و حتی یک اجتماع می‌تواند با تمام قدرتها و امکانات خود بر علیه مشکلات بسیج شود و با شکست و ناکامی در یک یا چند مورد از صحنه مبارزه با مشکلات کنار نرود. مذهب با توجه به اعتقاد و قدرت بی‌پایان خدا می‌تواند بهترین تکیه‌گاه معنوی و روانی برای انسان در برابر حوادث سخت زندگی

باشد. به او امید و توان بخشد و یأس و دودلی و تحیر و سرگردانی را از او دور سازد. بنابراین عرق مذهبی یکی دیگر از عواملی می‌باشد که در راستای تحقق بخشیدن به امر مقدس جهاد در راه خدا بسیار مؤثر و نقشی بنیادی را دارا است. لذا مذهب به نوبه خود عاملی است بسیار مهم که با شناخت عمیق و تحقیق فراوان در جهت استغنائی روح پرستش انسان تنهای تاریخ، در برخورد با طبیعت به روح سرگردان انسان پیوند زده شده است تا در فرار از سراهای عطش پرستش، با راهنمایی و رهبری مذهبی اولیاء مذهب به سرچشمه حق و حقیقت دست یابد تا گل سرسبد آفرینش گردد.

اما نقش مذهب و رهبری مذهبی در روشنگری جهاد اسلامی در راه مبارزه با شرک و مشرک پرستی تا اصل شهادت همچنان هویدا و مبرهن است چرا که آیه معروف:

«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا... و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»

تکلیف پیروان مذهب اسلام را در خط مذهب و رهبری مشخص می‌کند. از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) دفاع از جان و مال و ناموس خویش مسئله‌ای عبادی و مذهبی و آرمانی اسلام و بر خلاف ایادی رژیم گذشته دفاع از نظر ایشان (امام «ره») مسئله‌ای ملی و مقطعی نیست. امام و پیروانش به دفاع، جنگ و نبرد توجه داشتند چون دفاع را بر مبنای مذهب مورد عنایت حضرت حق تعالی می‌دانستند. دیانت مداری را بر سیاستمداری ترجیح می‌داد و توجه ایشان بیشتر به اصل انسان سازی بود و همه این موارد ذکر شده را در بعد رعایت و احترام به مذهب می‌دانست بنابراین برای حفظ وطن اسلامی و جهان اسلام مسئله‌ای عبادی و آرمانی جهاد در راه خدا را مطرح می‌نمود که این امر نیز مرهون مذهب است. دیدیم به خاطر همگونی مذهب مردم با امام راحل، آنان به این امر ارزشمند ایشان لبیک می‌گویند اما در مذهب ما "جهاد در راه خدا" مشمول دایره ارزشهای اسلامی است. امام راحل به عنوان یک رهبر نمونه عصر حاضر دفاع از ارزشهای انقلاب و اسلام را که شامل "جهاد با دشمنان" نیز

می‌باشند امری معنوی تلقی می‌کند و امروز نیز حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در آغاز هفته نیروی انتظامی می‌فرماید: «باید ارزشهای اسلامی و انقلاب، ارزشهای طراز اول باشند، معیار باشند، میزان باشند» این مذهب ماست که ارزش اسلامی "جهاد در راه خدا" را امری واجب معرفی می‌کند. وقتی که محمد حسین فهمیده به خاطر حفظ اسلام و دفاع از سرزمین‌های اسلامی خویش را زیر تانک می‌اندازد یقیناً نیرویی که وی را به انجام یک چنین کاری وادار می‌کند بالاتر از عرق ملی و فرهنگی است این نیرو باید نیروی عرق مذهبی باشد چون با توجه به مذهبش به شهادت اعتقادی راسخ دارد که در قرآن کریم آمده است:

به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کنید و این برای شما بهتر است. به این ترتیب اگر مقابله با دشمن جنبه ایدئولوژیک پیدا کند (به همانگونه‌ای که در جنگ تحمیلی شاهد آن بودیم)، رفتارهای اجتماعی، فرهنگی و یا فردی تحت الشعاع مسائل و موارد ایدئولوژیک قرار می‌گیرد، این امر را می‌توان در حوزه‌های جنگ و رفتار رزمندگان اسلام مشاهده نمود.

برای سنجش میزان تأثیرگذاری عامل ایدئولوژیک بر مشارکت بسیجیان در جبهه‌های جنگ می‌توان شاخص‌هایی را تعیین نمود. این پارامترها را می‌توان در کلام، مرام، رفتار، اهداف، آداب سخن گفتن بسیجیان مشاهده نمود. آنان با نوار و نوحه کربلا به وجد در می‌آیند، "حسین" را پیشوا، مقتدای ایدئولوژی خود می‌دانند بر همین اساس است که اسم رمز اکثر عملیات با واژه‌های ایدئولوژیک و مذهبی همراه بود زیرا "اسامی رمز" می‌توانست نوع گرایش و تمایلات بسیجیان را تحت الشعاع قرار دهد.

۳- عوامل فرهنگی و عرق ملی

از دیگر عوامل مهم در برانگیختن گرایش مردم در رفتن به جبهه‌های جنگ تحمیلی عرق ملی و حس وطن‌خواهی مردم است که در هر کس جز خائنین، این حس نهفته

است. چنانکه بر این حس رنگ مذهبی نیز زده و حدیثی را نیز ذکر می‌کنند که "حب الوطن من الایمان" ستایش از فرهنگ، تمدن و خاک سرزمینی که تعلق بدان داریم از ایمان و باورهای عمیق ملی و مردمی نشأت می‌گیرد که در عروق تاریخ کهن سال فرهنگ ایرانی همواره درخششی خاص داشته چنانکه حماسه سرایان ملیت این قوم نیز در ترویج و غنا بخشیدن به این حس و غرور ملی نقشی به سزا داشته‌اند و تاریخ این ملت رنج کشیده نیز شاهدی صادق بر این مدعی است که وطن، سرزمینی که در آن متولد شده پا گرفته و با تاریخ و مردمش همخون و هم دل و هم زبان گشته‌ایم و مادر دوم خویش می‌دانیم و تقدیس پیشوند کلمه «مادر» در روح بخشیدن به پسوند کلمه «وطن» از اندیشه‌ای ژرف نشأت گرفته و رنگ ملی و مردمی دارد. تاریخ سرزمین که نشانگر دلاوریها و مردانگیها و خون دادن‌ها در جهت حفظ نوامیس ملی و خاکی این مردم است، همواره شاعران و نویسندگان را به ستایش و اعجاب واداشته است تا مرگ را که وحشتناکترین پدیده‌هاست در دفاع و همیت از روح وطن پرستی به شیرینی نوشیدن شربت تعبیر کنند و «فردوسی شاعر بزرگ و صاحب اثر حماسی ایران زمین را می‌بینیم که با شناخت فرهنگ چند هزار ساله این ملت از پس قرون فریاد بر می‌آورد که:

چو ایران نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

و این خون وطن پرستی است که تا عصر انقلاب و جنگ تحمیلی همچنان در عروق شهامت این ملت جاری بوده و فریاد خونین طپش قلب این نسل خواستار رهایی از اسارت‌های خویش و بیگانه را در قاب فریاد اعتراض به هر ستم و ستم‌پذیری و ستم‌کاری به تصویر کشید تا همگان در مقابل عظمت پایداری و پایمردی ملتی چنین با مایه‌گیری از دو فرهنگ غنی ایرانی و اسلامی با دیده‌تحریر و اعجاب بنگرند.

لذا نوع فرهنگ ملی در شکل‌گیری ساختارهای سیاسی، دفاعی، اقتصادی نقش مهمی دارد هر قدر فرهنگ ملی نیرومندتر، ریشه‌دارتر و به فطرت الهی انسان نزدیک‌تر

باشد به همان اندازه می‌توان به عنوان عامل اساسی و پایدار در دفاع از ملت، در مقابل تمام تهدیدات و تجاوزات عمل نماید. بنابراین فرهنگ هر ملت و ریشه‌دار بودن و چگونگی ساختار آن نشان دهنده انگیزه، توان و ابزار دفاعی و مقاومت آن ملت می‌باشد.

و به خاطر همین است که امام راحل‌مان (ره) در طول انقلاب و هشت سال دفاع مقدس مکرراً تأکید بر اصلاح فرهنگ جامعه می‌کرد و همواره توصیه می‌کرد که جلوی تهاجم فرهنگی از جانب غرب گرفته شود.
به طور مثال:

مسیحیان و طرفداران ادیان غیر از اسلام با توجه به اینکه ریشه مذهبی اسلامی نداشتند ولی به خاطر فرهنگ ملی اصیل و ریشه‌داری که دارا بودند در جنگ و جهاد به فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی «ره» و در زمینه دفاع از آب و خاک و ناموس لیبیک گفته و پا به پای دیگر برادران ایرانی خویش حماسه آفریدند و از تقدیم جان خویش دریغ نمودند.

چنین پیوستگی‌ای را می‌توان بین گروه‌های اجتماعی، قومی، نژادی و مذهبی دیگر برای مقابله با بعثیان عراقی مشاهده نمود. آنان در مقابله با عراقی‌ها پیوستگی کاملی را با نظامی سیاسی جمهوری اسلامی ایران به انجام رساندند. انجام مشارکت، ناشی از این امر بود که مقامات جمهوری اسلامی و بسیجیان در حالیکه دفاع مقدس خود را با اهداف ایدئولوژیک پیگیری می‌کردند، بر این اعتقاد بودند که واگذاری هر منطقه از خاک کشور به دشمن آنان را از نیل به اهداف عمومی‌تر باز می‌دارد. مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای که در زمان جنگ و در مقام ریاست جمهوری انجام وظیفه می‌نمودند، ارائه هر گونه امتیازی را به دشمن مغایر اهداف ملی و استراتژیک جمهوری اسلامی دانسته، مقاومت نظامی را قبل از قبول قطعنامه و مقاومت سیاسی را بعد از پذیرش قطعنامه توسط جمهوری اسلامی ایران در الویت رفتاری و سیاسی قرار داده بودند.